

(عالم اسلام)

# شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع

حق حج (۶)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۸ / ۰۳





■ حجه الوداع حسین

■ سخنان امام در میان نخبگان جامعه

■ وظایف نخبگان جامعه در بیان سیدالشهدا (علیه السلام)

■ خدایا تو شاهدی که...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَبِّهِمْ

## حجه الوداع حسین

به صلاح است. در حقیقت یک حرکت اصلاحی است که کاملاً به حج گره می‌خورد و اینجا هم حجه الوداع است. امام حسین (علیه السلام) مانند سایر اولیای خدا عاشق حج بود. افزون بر بیست و چند بار حج از آن حضرت گزارش شده است که در بعضی سفرها همراه امام حسن مجتبی (علیه السلام) بودند. عمده‌ی این سفرها را حضرت به صورت پیاده می‌رفتند و مقداری از کاروان فاصله می‌گرفتند تا افراد کاروان به خاطر احترام حضرت، مجبور نشوند پیاده شوند. حضرت و اهل بیتشان پیاده می‌رفتند تا عظمت حج و شکوهش و اسرارش بیشتر در ذهن علاقه‌مندان شکل

از یک منظر، حج سیدالشهدا (علیه السلام) حجه الوداع بود و این حج با خود پیام‌های بزرگی را به امت اسلام منتقل کرد و کاملاً هم به حجه الوداع پیامبر گره می‌خورد که در آن، اعلام ولایت الهی و استمرار خط نبوت در سیمای امامت، با معرفی شخصیت بی‌نظیر امام علی (علیه السلام) صورت گرفت. اینجا اعتراض بزرگ از سوی ولی و حجت خدا به انحراف بزرگ جامعه از ولایت الهی است، و همچنین اقدام برای بازگشت امت

گیرد. این مقصد بزرگ و این مرکز منافع عظیم امت اسلامی چیزی نیست که بشود با آن به سادگی برخورد کرد و اگر خواستیم به آن جانب برویم، باید با حال تواضع و فروتنی و بندگی به سمت خانه‌ی خدا حرکت کنیم.

در این حج اخیر کار به همین ترتیب پیش رفت و چند ماهی که امام در مکه‌ی معظمه بودند، کار بیداری و سازمان‌دهی و مواجهه‌ی چهره‌به‌چهره و یارگیری به معنای دقیق کلمه را انجام دادند. به نوعی پناهندگی به حرم را داشتند تا وقتی که حرم برای حضرت ناامن شد و دیگر به صلاح نبود که در آنجا بمانند. حسب اطلاعی که حضرت از توطئه‌ی

ترور داشتند و نمی‌خواستند حرمت حرم شکسته شود، حج را به عمره تبدیل کردند و از مسیر حج خارج شدند و به سوی کوفه، ولی در باطن امر به سوی کربلا حرکت کردند. روز هشتم ذی‌حجه که مشهور به یوم التروییه است، حضرت حرکت می‌کنند. این قافله مسیر خود را تغییر می‌دهد تا با این اقدام متفاوت، حضرت نشان دهد آنچه اتفاق می‌افتد، یک صورت بی‌سیرت است و حجی است که در آن معنا و روح وجود ندارد. حرکت ایشان پیام‌هایی داشت که توجه همه‌ی مؤمنین در تاریخ را به خود جلب می‌کند. در حج سیدالشهدا (علیه السلام) دو گزارش بسیار

عالی در دسترس ما قرار گرفته که یکی مربوط به عرفات و دیگری مربوط به مناسبت. در عرفات، مناجات سیدالشهدا (علیه السلام) است که از اسرار توحیدی حج رمزگشایی می‌کند و معارف عرفان ناب در عالی‌ترین سطح خود توسط آن حضرت در قالب یک مناجات طولانی تقدیم به ساحت قدس ربوبی می‌شود. در حقیقت یک چشمه‌ی زمزم فیاض جاری از عرفان و توحید و عشق به ساحت قدس ربوبی به دست مبارک حضرت جاری می‌شود و برای همیشه‌ی تاریخ هر کسی که بخواهد به حقیقت حج دست پیدا کند، کافی است خودش را به این چشمه‌ی فیاض

و همیشه جاری برساند و جام‌هایی از این شراب طهور بنوشد و سرمست از این داده‌های حسینی، عازم مقاصد عالی انسانی در حج شود. البته این مناجات گرچه در صحرای عرفات و در کنار جبل الرحمه ارائه شد و به حج روح و معنا می‌دهد، ولی برای هر کسی در هر جایی که باشد، چه در روز عرفه و چه در روزهای دیگر، برای ارتباط با حق تعالی و دریافت انوار الهی، در دسترس است. حتماً در دهه‌ی نخست محرم به دعای عرفه مراجعه شود و سعی کنیم مقتل را از منظر مناجات عرفه‌ی آن حضرت تماشا کنیم.

در قسمت نخست مناجات عرفه، حضرت سیدالشهدا

## سخنان امام در میان نخبگان جامعه

درباره‌ی رابطه‌ی مناجات عرفه با حادثه‌ی کربلا و سند منا، هر دو سند مربوط به حج‌های دیگر حضرت است؛ چراکه در حج پایانی، حضرت به حسب ظاهر نه به عرفات و نه به منا رسیده‌اند. در واقع از قبل عزیمت به عرفات، حضرت از حج خارج شده‌اند. از همین جا استفاده می‌کنیم که اولیای خدا و سیدالشهدا (علیه السلام) عنایت داشتند که حج به معنای اصلی خود نزدیک و منافع اصلی حج رونمایی شود. در عرفات، امام حسین (علیه السلام) از منافع توحیدی و عرفانی و معرفتی و معنایی حج

(علیه السلام) شهادت می‌دهند به ساحت قدس ربوبی و این شهادت خودشان را با تمام اعضا و جوارح و با پیشانی و خطوط چهره و همه‌ی بخش‌های اصلی وجود خود، این شهادت را گره می‌زنند. در مقتل، این شهادت به عمل ختم می‌شود و این شهادت سیدالشهدا (علیه السلام) و گواهی آن حضرت بر ربوبیت پروردگار متعال و نعمت‌های بی‌کران و زیبا، در عمل در مقتل تحقق پیدا می‌کند. این بخش مربوط به سند عرفاتی سیدالشهدا (علیه السلام) می‌شود.

رونمایی می‌کند. در منا - که یک سال قبل از مرگ معاویه بوده - بر اساس فرصت دیگری که فراهم شده، سخنرانی می‌کنند. سیدالشهدا (علیه السلام) از بخش برائت حج و از حماسه و منافع عالی‌ه‌ی سیاسی و اجتماعی که برای امت اسلامی حیات‌آفرین است، رونمایی می‌کنند. حضرت از اصحاب شناخته‌شده‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همچنین از تابعین که در حج بودند، دعوت کردند. برای همه تک‌تک پیک فرستادند. امام حسین (علیه السلام) طبق برخی نقل‌ها، در آن جلسه‌ی مهم بعد از اشاره‌ای که به جریان حکومت طاغوتی آن روزگار دارند و با تعبیر «طاغیة» از آن یاد

می‌کنند، بلافاصله بیانات پیامبر عظیم الشان را به اصحاب و تابعین یادآوری می‌کنند. فهرست طولانی از آنچه به نظرشان می‌رسید که این جماعت دارند فراموش می‌کنند، ذکر می‌کنند؛ خصوصاً درباره‌ی امیرالمؤمنین علی (علیه منزلت، حدیث مربوط به بستن همه‌ی درها غیر از در خانه‌ی امیرالمؤمنین به روی مسجد، حدیث اخوت، مباحله و با تأکید بر غدیر، همه یادآوری می‌شود. شیوه‌ی یادآوری حضرت هم مناشده است؛ یعنی می‌گویند من شما را به خدا سوگند می‌دهم که آیا پیامبر این گونه نفرمودند؟! آنها هم می‌گویند: «اللهم نعم»، یعنی



ما شهادت می‌دهیم. راجع به تکتک اینها امام (علیه السلام) از جماعت حاضر اقرار و اعتراف گرفتند. مسئله‌ی اصلی، مربوط به مدیریت عالی امت اسلامی و ولایت جامعه‌ی اسلامی است. همه‌ی آن مقدمات را می‌گویند و به ولایت و غدیر می‌رسند. همه با محوریت معرفی شخصیت طرازی است که صلاحیت اداره‌ی امور امت و امامت دارد. بعد از همه‌ی اینها تعهد می‌گیرند که شما وقتی به شهرها و قبایل خود برگشتید، این مطالب را به دیگران و مخصوصاً به اشخاص برگزیده منتقل کنید؛ چراکه شخصیت‌های سرشناسی بودند و احادیث حضرت رسول را در سینه داشتند و سیره‌ی حضرت را

مشاهده کرده بودند. جالب است که در این متن حضرت به نوعی پیمان می‌گیرند: «ثم ارجعوا الی انصارکم و قبائلکم من امتم و وثقتم به فادعواهم الی ما تعلمون». بعد هم فرمودند اگر شما که دیدید و می‌دانید سکوت کنید، نگران این هستم که حق زائل و مندرس شود. البته بلافاصله حضرت فرمودند «والله مُتَمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ [۱] و خدا - گرچه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید». پرچم حق برافراشته می‌ماند و این طور نیست که اگر شما کوتاهی کنید، اصل حق پوشانده بماند. متاهی شما محروم می‌شوید از اینکه حق، به دست شما

مسئله‌ی ولایت الهی است؛  
البته با بیانی متفاوت.

### وظایف نخبگان جامعه در بیان سیدالشهدا (علیه السلام)

امام (علیه السلام) در این خطاب که گروه برگزیده‌ای از جامعه‌ی اسلامی حضور دارند، اصحاب و تابعین و علما و شخصیت‌های برجسته و به تعبیر دقیق و زیبای رهبر عالی‌قدر، خواص امت اسلامی آنجا حضور داشتند، ابتدا وظیفه‌ی بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کنند و اینکه شما چرا به وظیفه‌ی خود عمل نمی‌کنید. با مقدمه‌ای که تکیه‌اش به آیات قرآنی است، وظیفه و رسالت انسان‌های فهمیده و

جاری شود. بعد از گرفتن این گواهی و اعتراف که حضرت در قالب سوگند از آنها دریافت می‌کنند، یک متن فوق‌العاده و بسیار عالی و سازنده و سرنوشت‌ساز ارائه می‌کنند. امام (علیه السلام) از منافع حج برای بیداری امت استفاده می‌کنند. به این صورت که از فرصت اجتماع همه‌ی مؤمنان و دوستان حضرت و حضور بزرگان و علما، برای توجه دادن بزرگان به مسئولیت‌های بزرگ و یادآوری اتفاقات خطرناک و حساسی که در جامعه و امت اسلامی رخ می‌دهد، به زیبایی و خوبی استفاده کردند برای روشنگری و ارائه‌ی طرح خوشبختی امت اسلامی که همان

برگزیده و کسانی که دارای تحلیل و شناخت و درک هستند، رسالت بزرگ آنها را حضرت مطرح می‌کنند: «فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لَعَلَّهُمْ بَانَهَا إِذَا أُذِيتْ وَوَأَقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئَهَا وَصَعْبَهَا؛» این همان فریضه‌ای است که از نگاه پروردگار متعال اگر انجام شود، همه‌ی فرایض بر پا و مستقر می‌شوند؛ چراکه امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام و همه‌ی فرایض الهی است؛ زیرا در امر به معروف و نهی از منکر مخالفت ستمگر هست، امکان برقراری عدالت اقتصادی در جامعه فراهم می‌شود و حق به حق‌دار خواهد رسید.

آنگاه خطاب به این جماعت، ویژگی‌هایشان را یادآوری کردند که شما کسانی هستید که به علم شناخته شده‌اید، ذکر خیر شما همه جا هست و شما به عنوان انسان‌های ناصح و خیرخواه امت شناخته می‌شوید، مردم به شما مراجعه می‌کنند و شما را احترام می‌کنند و به شما اقتدا می‌کنند و به عنوان بزرگان امت شناخته می‌شوید. حضرت تکالیف و مسئولیت‌هایشان را یادآوری می‌کنند و بلافاصله به شدت توبیخشان می‌کنند که چرا به وظیفه‌ی خود عمل نمی‌کنند که آن وظیفه، عبارت از این است که بایستی دانش و فهم خود را مخصوصاً در محور امامت

اءَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأُمْنَاءِ  
 عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ». چنین  
 کسانی باید سررشته‌ی امور  
 را به دست داشته باشند و  
 مسائل مختلف جامعه را  
 مدیریت کنند؛ در حالی که  
 شما از این جایگاه فاصله  
 گرفته‌اید و دلیلش هم  
 تفرقه‌ی شما است. حضرت  
 می‌فرمایند با وجود  
 این‌همه شخصیت‌های  
 خوب و سالم و صالح  
 که در رأس آنها خود  
 سیدالشهدا (علیه السلام)  
 قرار دارد، چرا مدیریت  
 جامعه باید به دست  
 ناهلانی بیفتد که به جای  
 ترویج ارزش‌ها، منکرها را  
 ترویج می‌دهند؟ حضرت  
 ریشه‌یابی می‌کنند و  
 فرمودند علتش اختلافی  
 است که بین شما است.  
 شما صبر و تحمل ندارید

و ولایت آشکار سازید.  
 اما شما تسامح می‌کنید  
 و با جریان ناپسند حاکم  
 همراهی می‌کنید و گویا  
 امر به معروف و نهی از  
 منکر را فراموش کرده‌اید  
 و آنچه را که خدا از علما  
 تعهد گرفته به فراموشی  
 سپرده‌اید. حضرت آنها را  
 مورد عتاب قرار می‌دهند  
 و توبیخ می‌کنند که چرا  
 وارد میدان نشدید.

از اینجا امام مسئله‌ی بسیار  
 مهمی را مطرح می‌کنند  
 که بر اساس منطق  
 اسلامی، مجاری و اداره‌ی  
 امور جامعه باید به دست  
 اشخاص صالح و برگزیده  
 باشد که هم به دانش الهی  
 دست داشته باشند و هم  
 امین حلال و حرام خداوند  
 باشند: «ذَلِكَ بَاءَنْ مَجَارِي  
 الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى

و مقاوم نیستید و حاضر نیستید هزینه‌ی اجرای احکام خدا را پردازید و تحمل کنید. نتیجه‌اش این می‌شود که همه‌ی امور از دست شما خارج شده و به دست ناهلان افتاده است. اینجا تعبیری در مورد کسانی دارند که امور امت را به دست گرفته‌اند: «وَلَكِنَّكُمْ مَكَّنْتُمُ الظَّالِمَةَ مِنْ مَنَزَلَتِكُمْ». شما کارها را به دست ستمگران داده‌اید و امور الهی را تسلیم ناهلانی کرده‌اید که به شبهات حکم می‌کنند و در شهوات سیر می‌کنند و علت اصلی این است که شما از مرگ می‌ترسید و از ترس مرگ همه چیز را رها کرده‌اید: «سَلَطَهُمْ عَلٰی ذٰلِكَ فِرَارُكُمْ مِنَ الْمَوْتِ». شما به زندگی

دنیا دل‌بسته شده‌اید: «وَاعْجَابُكُمْ بِالْحَيَاةِ الَّتِي هِيَ مُفَارِقَتُكُمْ». کسانی را که از جهت فکری و مدیریتی و اقتصادی، جزء ضعفا هستند، به این ستمگران شهوتران سپرده‌اید: «فَاَءَسَلَمْتُمْ الضُّعَفَاءَ فِيْ اَءْيَدِيْهِمْ» بعضی از این مظلومین تبعید شده و برخی در زندان‌ها قرار گرفته‌اند و هر کس به شکلی زیر این جریان ستم قرار گرفته است. حضرت تحلیلی ارائه می‌کند که هم زمان و وضعیت موجود را نشان می‌دهد، و هم ریشه‌یابی می‌کند که اینجا خواص و اشخاص فهمیده به وظیفه‌ی خود عمل نکردند و علت آن هم ترس و دل‌بستگی به دنیا است؛ لذا حاضر نیستند

می‌شوند و با خدا صحبت می‌کنند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ...» خدا یا تو خودت می‌دانی که مطالبی که مطرح کردم، برای این نیست که بخوادم ریاستی داشته باشیم و منفعی ببرم. امام حق، به دنبال منافع شخصی و جاه و جلال نیست. «وَلَكِنْ لِنُرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْأَضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ» ما دنبال این هستیم که نشانه‌های دین تو بر پا و استوار شود و اصلاح در شهرها برقرار شود و بندگان مظلوم تو در امان قرار بگیرند؛ یعنی فایده‌ی حاکمیت اسلامی و دینی و الهی، این موارد است. «وَيُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ» ما به دنبال

هزینه‌ی دفاع از دین خدا و حق را پرداخت کنند. به این ترتیب حضرت بابی را جلوی این جماعت باز می‌کنند. جمله‌ی پایانی ایشان هم در این خطبه‌ی نورانی، بسیار تکان‌دهنده است. امام یک مسیر تاریخی را روشن می‌کنند که امور باید به دست چه کسانی باشد و از رهگذر چه کوتاهی‌هایی است که طاغوت حاکم می‌شود و وقتی طاغوت حاکم شود، همه‌ی منافع از دست رفته است و حتی حج هم یک حج بی‌روح و بی‌منفعت می‌شود.

### خدایا تو شاهدی که...

در بخش پایانی، حضرت از حالت خطبه خارج

این هستیم که واجبات دین و احکام تو رواج پیدا کند. بعد هم خطاب به آن جماعت فرمودند که اگر شما در مسیر برقراری حاکمیت الهی ما را یاری نکنید، ظالمان و ستم‌پیشگان بر شما مسلط خواهند شد و تلاش می‌کنند که نور اسلام و نور پیامبر در امت اسلامی خاموش شود. با وجود این دو سند از سیدالشهدا در حج، یعنی سند عرفات و سند منا که یکی ناظر به باطن حج و دیگری ناظر به آثار سیاسی و اجتماعی حج است، می‌توان گفت حضرت، حج پسندیده‌ی اسلام را برای همیشه معرفی کرده‌اند. خدا را قسم می‌دهم به سیدالساجدین امام سجاد



### منابع و مأخذ

[۱]. صف: ۸.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت  
OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

## اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

